

## خانواده مطلوب از دیدگاه قرآن کریم

□ احمد احمدی تبار \*

### چکیده

خانواده، نهادی است که با وجود تحولات اساسی جامعه، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع اهمیت اساسی دارد. خانواده، مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای روحی و معنوی بشر است و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم می‌آورد. در عصر حاضر، با اثرپذیری از تحولات اجتماعی، صنعتی و علمی، در بیشتر جوامع از جمله ایران، مشکلات متعددی برای خانواده پدید آمده است. اختلاف‌های خانوادگی، طلاق، فرزندان بی‌سرپرست و بزه‌کاری نوجوانان و جوانان، نشان‌دهنده مشکلات اساسی در خانواده‌های ماست. در این مقاله، به این کانون پر از مهر و نیز آسیب‌شناسی آن می‌پردازیم و ویژگی‌های آن را از دیدگاه قرآن بیان می‌کنیم.

## اشاره

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون، به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد. نیک‌بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بنا وابسته می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به آرامش برمی‌شمارد.

## کارکرد و جایگاه خانه در قرآن

واژه ی بیت به معنای خانه ، هفتاد و یک بار با مشتقات آن در صیغه های بیت و جمع آن بیوت در قرآن کریم آمده است . این کلمات در دوازده مورد با مصداق بیت الله، یعنی کعبه (خانه خدا ) ، دو مورد برای بیت عتیق ، دو مورد بیت معمور و باقی به معنای خانه همان محیط مخصوص زندگی خانواده ، آمده است .

با نظر به آیات الهی و پرداختن آیات متعددی در قرآن به کلمه بیت ، چنین به دست می آید که این مکان مسقف محدود که محل اجتماع و زیست جمعی بشر و اولین محیط رشد و پرورش است ، مورد عنایت حق بوده و بر حسب کارایی و جایگاهش در حیات انسانی ، از اهمیت بسزایی برخوردار است . در اینجا به بعضی از این موارد اشاره می شود :

## محل تسکین:

اولین کارکرد خانه ، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه جانبه ی این محیط برای اعضاست . فضای محدود و امن خانه ، حریمی برای ابراز

احساسات بیان اسرار ، ارضای غرایز و تامین نیازهای جسمی و روحی انسان است . این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می دهد و می فرماید : و الله جعل لكم من بيوتكم سكنا : خداوند از خانه های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرار داد. [۱] واژه سکن به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله ی آن تسکین یابد . [۲] انسان علاوه بر نیاز به سکونت در خانه ، به محلی برای تسکین آلام روحی ، رها شدن از برخی قیودات اجتماعی ، استراحت به نحو دلخواه ، خلوت کردن و راز و نیاز با خدا و محرمان نیاز دارد . اگر خانه تامین کننده این نیازها نباشد ، مسکن نخواهد بود.

### محل ذکر و تلاوت آیات الهی:

واذکرن ما یتلی فی بیوتکن من آیات الله والحکمه

به یاد آورید آنچه در خانه هایتان از آیات و حکمت تلاوت شده است. ۳

آیه خطاب به همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) است و نکاتی از آن برداشت می شود :

فضایلی که از خانه و خانواده نصیب انسان می شود ، ارزشمند است و باید برای به کار گیری در زندگی حفظ شود .

خانواده ی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) الگویی برای همه خانواده ها است ؛ لذا باید بیش از دیگران مراقب امثال اوامر الهی باشند . هر فرد باید حافظ شئون ، موقعیت و آبروی خانواده خود باشد .

محیط آرام و مانوس خانه ، آن را مکانی مورد احترام و عنایت قرار داده است ؛ اما چنان چه این محل معبدی برای بندگی و ذکر حق واقع شود ، خداوند آن را رفیع و عظیم می گرداند ، چنانکه خطاب به رسول گرامیش می فرماید : فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو والاصال [۳]

رفعت و علو حقیقی خاص خداوند متعال است ؛ خانه ای که مسجد خداوند و محل تسبیح او باشد، نیز عظیم و رفیع است .

آنچه از آیه فوق و تفسیر مرحوم علامه طباطبائی (المیزان) استفاده می شود ، این است که اگر خانه از هر پلیدی و لوئی منزّه بماند و به ذکر خدا و عبادت او مزین شود ، رفعت می یابد و از یک چهار دیواری سرد و بی روح خارج می شود و هر چه صبغه ی الهی و معنویت بیشتر شود ، مقامی رفیع تر که مصداق کامل آن کعبه، خانه ی خداست. [۴]

### محل رابطه ای قدسی:

فاذا دخلتم بیوتا فسلموا علی انفسکم تحیه من عندالله مبارکه طیبه [۵]

مقصود از سلام کردن بر خود ، سلام بر اهل خانه است و اگر در اینجا نفرمود : بر اهل آن سلام کنید ، خواست یگانگی مسلمانان با یکدیگر را برساند ؛ چون همه انسانند و خدا همه را از یک مرد و زن خلق کرده است. علاوه بر این، همه مومند و ایمان، ایشان را جمع کرده، چون قوی تر از وهم و هر عامل دیگری برای یگانگی است. خداوند می فرماید : بر اهل خانه سلام کنید ؛ از آنجا که سلام بیان تحیتی مبارک از نزد پروردگار است ، عالی ترین ایجاد رابطه میان اعضای خانواده آن است که با تحیت و سلام بر یکدیگر برخورد کنند و یاد خدا میان آنان باشد. این رابطه قدسی اگر در خانه برقرار شود ، به طور قطع به جامعه نیز کشانده خواهد شد. پس حقیقت سلام ، گسترش امنیت و سلامتی در میان انسان هاست .

### لزوم حفظ حریم خانه:

از نظر قرآن ، خانه در مقام و جایگاه بالایی قرار دارد ؛ به قدری که حفظ حریم آن بر همگان توصیه شده است . خداوند متعال می فرماید : یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلموا [۶]

حصر در آیه مذکور به این معناست که خداوند ورود به خانه ی غیر را بدون اذن و سلام ممنوع می کند . حرمت این حریم را مقدس می دارد و ضرورت حاکمیت یک فرهنگ صحیح و صمیمی را در برخورد با اهل خانه بیان می کند و می آموزد که اهل بیت باید در روابط با یکدیگر ، علاوه بر رعایت همه ی شئون انسانی در برخوردشان ، از راه تکلم که نزدیک ترین و شایع ترین

ارتباط است، نیز این یگانگی را بیان کنند و سلام واژه ای است که این پیام را دارد؛ علاوه بر آنکه آرزوی سلامت و امنیت از جانب سلام کننده را ابلاغ می کند. از عدی بن ثبات روایت است: زنی انصاریه به نزد رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و عرض کرد: من در خانه خویش گاه در شرایطی هستم که نمی خواهم هیچ کس مرا ببیند، در این حال اگر پدر، فرزند یا مردی از خویشان من وارد شوند، چه کنم؟ در جواب، آیه فوق فرو فرستاده شد

تستائسوا یعنی تستاذنوا گفته شده است که استیناس طلب انس است [۷] و به این معنی است که در هیچ خانه ای که ملک شما نیست وارد نشوید تا مطمئن شوید فردی در آن است و آنگاه اجازه بخواهید. ابن عباس گفت: در این آیه تقدیم و تاخر است؛ یعنی حتی تسلما و تستاذنوا، یعنی حتی تقولوا السلام علیکم، ادخل؛ سلام مستحب است و استیذان واجب [۸] در آیه ۲۸ از سوره ی میارکه ی نور نیز، ورود به هر خانه ای مشروط به اجازه یافتن از سوی صاحب خانه شده است. فان لم تجدوا فیها احداً فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم [۹] اگر در خانه کسی را نیافتید، تا اجازه دریافت نکرده اید، وارد نشوید.

علاوه بر این حکم عمومی، در آیه ۵۳ از سوره احزاب نیز ورود به خانه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بدون اذن منع شده است: یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم

ای ایمان آورندگان به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آنکه به شما اجازه دهد.

اهمیت خانواده در دوران کودکی

نوزاد، نخستین تعامل خود با محیط را در خانواده آغاز می کند. در این کانون اولیه، نخستین اثرگذاری و اثرپذیری آغاز می شود و کودک اندک اندک در فرآیند رشد اجتماعی قرار می گیرد. به نظر روان شناسان، سال های اولیه کودکی، در رشد شخصیت و آینده او نقشی بسزا دارد. بیشتر شناخت های کودک از خود، اطرافیان و محیط نیز در این دوران شکل می گیرد. میزان سلامت جسمانی و روانی کودک، بسته به ارتباطی است که خانواده با وی دارد و اینکه تا چه حد تلاش می کند نیازهای او را برآورده سازد. کودکانی که در این سال ها از نظر عاطفی و امنیتی در خانواده تأمین نمی شوند، به انواع سختی ها دچار می گردند. مشکل این کودکان، بیشتر با شیطنتها،

دروغ‌گویی‌ها و حرف‌نشنیدن‌های ساده آغاز می‌شود و با توجه به وضع نابسامان خانواده، به بزهکاری‌ها و جنایت‌های دوران بزرگسالی می‌انجامد.

## اهمیت خانواده در دوران نوجوانی

ویژگی مهم دوران نوجوانی، استقلال‌طلبی نوجوان است. او می‌خواهد به شیوه‌ای، رشد و استقلال خود را به خانواده ثابت کند. بر این اساس، فاصله میان خود و خانواده را بیشتر می‌کند و به گروه هم‌سالان نزدیک می‌شود. در صورتی که خانواده در این دوران با کارکردهای اساسی خود آشنا نباشد و ویژگی‌های دوران نوجوانی را نشناسد، کارکرد تربیتی درستی نخواهد داشت. چه بسا رفتارهای نادرست اعضای خانواده و فضای نامناسب آن، نوجوان را بیشتر از این محیط دور سازد.

## عوامل امنیت و ثبات خانواده

رشته حیات خانواده باید چنان استوار باشد که هیچ عاملی نتواند آن را از هم بگسلد. برای حفظ خانواده از فروپاشی باید از همان آغاز مراقب بود و کنترل‌های لازم را انجام داد. عواملی که سبب حفظ خانواده از خطر و آلودگی‌ها می‌شود، بسیار و متنوع است؛ زیرا بخشی از آنها به خود زن و مرد، بعضی به اجتماع و برخی نیز به دولت و حکومت برمی‌گردد. عواملی چون پاکی، تقوا، حفظ عفت، رعایت حقوق، شرکت در غم و شادی یکدیگر، وجود فرزند، محدود کردن خواسته‌ها، تحمل یکدیگر، پاکی مردم، نظارت اجتماعی، کنترل عوامل مزاحم، کنترل مراکز فساد، اجرای قوانین، ارشاد عمومی، تشویق به ازدواج، آسان‌سازی ازدواج، دادن امتیاز شغلی به متأهل‌ها و کنترل مسئله طلاق، همگی می‌توانند در حفظ و ثبات حیات خانواده مؤثر باشد.

## تعریف خانواده از منظر قرآن

اهمیت خانواده و نقش آن در جامعه بشری از رهاورد تأمل و تفکر در دو بعد وجودی انسان آشکار می‌گردد. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است؛ زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان. همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است. در آیه ۷۴ سوره فرقان می‌خوانیم: (والذین

يقولون ربنا هب لنا من أزواجنا قرّة أعين و اجعلنا للمتقين إماماً) و کسانی که می گویند خدای ما ما را از همسران مان نور چشمان ببخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان. این آیه بر اهمیت خانواده و پیش آهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد، چنان که پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایده آل پرهیزکاران معرفی می کند. در درون واحد اجتماعی خانواده پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به عنوان الگو برای آنان مطرح هستند، نقش و معنای اهمیت خانواده در بهسازی وضعیت بشر نیز در همین واقعیت نهفته است. در نگاه پیشوایان دین، باورها، چگونگی زندگی، عاداتها، تمایلات و اهداف والدین از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر کودکان هستند. بنابراین نوع رفتار والدین در هماهنگ سازی خواستها و تمایلات خودشان از يك سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و همچنین تلاش پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عوامل ایجاد هسته تعاون و همکاری اجتماعی در کودک شمرده می شوند. ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودّت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضای که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و برکنار از منیت ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است؛ در آیه ۲۱ سوره روم آمده است: (و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا اليها و جعل بینکم مودّة و رحمة إنّ فی ذلك لآیات لقوم یتفکرون) از نشانه های او این است که از خود شما جفتهایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید، و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. همانا در این نشانه هایی است برای آنان که می اندیشند. در این آیه چند نکته و نقطه با اهمیت درباره خانواده وجود دارد که شایسته بررسی است:

۱. أزواجاً من أنفسکم؛ همسرانی از خودتان. بر اساس این تعبیر، رابطه و پیوند زن و شوهر یکی از ابعاد مهم خانواده است. چنان که پیش تر اشاره کردیم انسان موجود اجتماعی است که رشد، شکوفایی و تکامل او در گرو ارتباط با دیگران و سختیها و مشکلات این مسیر می باشد؛ چرا که راه کمال بی پایان است. و در هر مرحله از مراحل زندگی و رشد، يك سلسله نیازهای ویژه درونی وجود دارد که خود را در عمل ارتباط با دیگران نشان داده و انعکاسی از نیاز درونی انسان

نسبت به خواسته‌ها و ایده‌آل‌های اوست. پیوند میان زن و شوهر چیزی جز پیوند دوستی پیراسته از هر انگیزه دیگر نیست. در خانواده است که نقاط ضعف و قوت شخصیت انسان بدون هیچ گونه ترس یا ملاحظه‌ای آشکار می‌شود، خانواده محیطی است که امکان درمان مشکلات به صورت طبیعی در آن فراهم است، زیرا با بردباری، محبت، وفاداری و اطمینان متقابل زن و شوهر زمینه شناخت نقاط منفی شخصیت و بررسی آنها و رهایی از چنگ آنها با خودسازی بیش از هر جای دیگر میسر می‌شود. بنابراین در نگاه اسلام، آلودگیهای درونی بدتر از زشتیهای بیرون است و محیطی که در آن امکان ظهور و بروز نقاط منفی شخصیت بدون ترس از کیفر وجود دارد - که همان خانواده است - از این ویژگی نیز برخوردار است که امکان رهایی از آن ضعفها نیز در آن فراهم است. به هر حال با نیروی عشق و محبت می‌توان به دشوارترین مقصودها رسید.

۲. و جعل بینکم مودّة میانتان دوستی برقرار ساخت. دومین نقطه مهم در خانواده محبت بین زن و شوهر است؛ آنها با تعامل دوستانه و همکاری در مسیر شناخت خود و خدای خود به آرامش می‌رسند و در وادی امن الهی گام می‌نهند؛ از همین رو تعبیر (لتسکنوا الیها) در آیه شریفه آمده است.

۳. لتسکنوا؛ تا آرامش یابید. (سکنی) دست یافتن به مقام سکونت و آرامش است، و این تعبیر در قرآن اشاره به این واقعیت دارد که آرامش، مقام و موقعیتی است که انسان در پهنه هستی باید بدان دست یابد و از دیدگاه قرآن وظیفه خانواده زمینه‌سازی برای همین هدف است، حال چه برای زن و شوهر، یا کسانی که راه آنان را ادامه می‌دهند؛ یعنی فرزندان.

۴. رحمة؛ اصل مهربانی. الفت زن و شوهر و همکاری آن دو با نیروی عشق و محبت در مسیر کمال، رحمت و مهربانی را برای خانواده و دیگران به بار می‌آورد، پس پیوند سالم است که ضامن فراهم شدن زمینه مناسب برای ارتباط مسؤولانه و ماندگار است و این چیزی است که نوگامانی که در آغاز راهند، از آن الگو می‌گیرند و در روابط آینده‌شان با جامعه به عنوان سرمشق بدان می‌نگرند. پیامدهای رفتار والدین بیشتر از نقش محسوس آنان در روابط شان با فرزندان است، بلکه نوع تعامل والدین با یکدیگر سنگ بنای شخصیت روانی فرزندان را می‌نهد که اگر سالم بود، رحمت به بار می‌آورد. منظور از سازگاری و هماهنگی میان زن و شوهر، بیشتر، تلاش



در جهت تعالی و تکامل دوسویه با وجود تفاوت‌های طبیعی و ذاتی است تا توافق و تفاهم میان آنها. بنابراین چنان که يك سری تفاوت‌های فیزیولوژیکی میان زن و مرد وجود دارد، يك سلسله تفاوت‌های مهم روانی نیز دارند؛ چنان که آیات کریمه زیر بدین نکته اشاره دارد: (و اللیل إذا یغشی. والنهار إذا تجلی. و ما خلق الذکر و الأُنثی. إنَّ سعیمکم لَشَتی) [۱۰] با این حال تا آنجا که به روحيات و ویژگی‌های شخصیتی مربوط می‌شود، تفاوت آنها همچون تفاوت فیزیولوژیک نیست و ارتباط به بعد زنانگی و مردانگی افراد ندارد. این شرایط اجتماعی، خانواده و فرهنگ است که عوامل مؤثر در شخصیت افراد به شمار می‌آید و دوگانگی‌هایی در چگونگی رفتار و کارهای زن و مرد می‌آفریند. اینجاست که رسالت خانواده یعنی تفاهم و دوستی متقابل برای کنار آمدن و تعامل با میلها و گرایشهای متفاوت به عنوان عناصر تشکیل دهنده واحد شخصیت انسان، به صورت دقیق تعیین می‌شود. چیزی که راستی، اطمینان، فروتنی، تقوا و پرهیز از خودمحوری را می‌طلبد و فرزندان را و می‌دارد تا از آن در روابط اجتماعی شان با دیگران الگو بگیرند، به گونه ای که تفاوت‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی دیگران را همچون تفاوت‌های پدر و مادر خودشان از عوامل تکامل بدانند و این گونه تعامل است که زمینه تفاهم بین ملتها و سازگاری بین باورهای گوناگون را فراهم می‌کند و سبب صلح و امنیت در سطح بین المللی می‌گردد. پدر و مادر مسؤول تربیت فرزندان شان به چنین روشی هستند و بر اساس حدیث شریف پیامبر اکرم (ص) فرزندان، امانتهایی در دست پدر و مادرند که باید از آنها مراقبت کنند، بدون اینکه احساس مالکیت نسبت به آنان داشته باشند. فرزند در رشد و بالندگی خود نیازمند عطف و مهربانی پدر و مادر است، که این محبت و مهربانی دو اثر اساسی دارد: يك. هسته ضروری تکامل و ایجاد اطمینان اولیه در روح کودک است. دو. زمینه پیدایش روح دوستی و مهربانی در ارتباط کودک با دیگران می‌شود.

فرزندان نیز يك سلسله مسؤولیتهایی در برابر والدین دارند. از دیدگاه قرآن شایسته است که رفتار فرزندان در برابر پدر و مادر آمیخته با احترام و محبت باشد؛ خداوند می‌فرماید: (فلاتقل لهما أفّ) و بر فرزندان لازم است که از پدر و مادر خویش نگهداری و مراقبت کنند، همان گونه که در سوره اسراء می‌فرماید: (و قضی ربّک ألاّ تعبدوا إلاّ آیه و بالوالدین إحساناً إّما یبلغن عندک

الكبر أحدهما أو كلاهما فلا تقل لهما أفّ و لا تنهرهما و قل لهما قولاً كريماً. و اخفض لهما جناح الذلّ من الرّحمة و قل ربّ ارحمهما كما ربياني صغيراً) [۱۱] پروردگارت مقرر فرمود که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، چنانچه یکی یا هر دوی آنها نزد تو به پیری رسند به ایشان سخنی رنجش آور نگو و بر سرشان فریاد مکن و با ایشان سخنی کریمانه بگو. و با آنان مهربانانه فروتنی کن و بگو پروردگارا همان گونه که آنها مرا در کودکی پرورش دادند تو نیز آنها را مشمول رحمت خویش گردان. بی گمان این احترام گذاشتن به معنای دعوت فرزند به تقلید و رهروی از پدر و مادر بدون تفکر و اندیشه نیست، زیرا این کار از نگاه قرآن نادرست است. از دیدگاه قرآن هر انسانی باید با فکر و اندیشه خودش راه درست از نادرست، هدایت از ضلالت را تشخیص دهد، چنان که در آیه ۲۱ سوره لقمان می خوانیم: (وَإِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلِ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لُوكَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ) و چون به ایشان گفته شود از آنچه خدا فرستاده پیروی کنید، گویند ما آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم؟ آیا هر چند شیطان به آتش دوزخشان فرا خواند. از سوی دیگر تأکید همواره بر نقش اصلی خانواده در رشد فرزندان و تکوین شخصیت آنان، نباید این گونه تفسیر و فهمیده شود که انسانی که به بلوغ رسیده است، قدرت بر تحول وجودی و تکامل ندارد، زیرا انسان در هر حال مسؤول کارهای خویش است: (كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ). اگر در این زمینه دچار عقب ماندگی شد پدر و مادر او مسؤول نیستند، چنان که اگر کار نیکی انجام داد پاداش می گیرد. خداوند در آیه ۲۱ سوره طور فرموده است: (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِءٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ) و آنان که ایمان آوردند و فرزندانشان در پی ایشان رفتند، آنان را بدیشان ملحق می کنیم و از عمل ایشان چیزی نمی کاهیم؛ هر که در گرو کارهای خویش است. به رغم دلالتهای روشن قرآن بر تساوی زن و مرد، متأسفانه در برخی جوامع اسلامی، زن در خانواده یا در سطح جامعه در معرض ستم قرار دارد. البته این بدان معنی نیست که زن در کشورهای اروپایی وضع بهتری دارد و از موقعیت شایسته انسانی برخوردار است، بلکه در آنجا نیز زن مورد ستم است اما به شکلی دیگر. یکی از علت‌های ستم بر زن، ساز و کارها و باورهای رایج جامعه است. دیگر اینکه زن در طول تاریخ به طور مستقیم به سراغ متون و فهم و تفسیر آنها نرفته است تا بتواند

حق خود را اثبات کند، بلکه بیشتر موارد این کار را به مرد وانهاده است. علاوه بر این دو، علت سومی نیز برای عقب ماندگی زن در جوامع اسلامی وجود دارد و آن در آمیختگی دو بعد وجودی انسان در مقام فهم حقوق زن است: ۱. بعد جنسی زن و مرد؛ ۲. بعد معنوی و الهی.

زن و مرد اگر چه از نظر فیزیولوژیک متفاوتند، ولی از ناحیه روحی و معنوی هر دو انسان هستند: (انّ اکرمکم عندالله اتقاکم). از نگاه اسلام، انسان تا هنگامی که از بند کششها و وابستگی های مادی آزاد است رو به سوی کمال و رشد معنوی در حرکت است و زمینه این رشد در هر دو جنس زن مرد فراهم است. بنابراین تکیه بر جنسیت در حقوق خانواده - یعنی جایی که ارزش پیوند و یگانگی در چارچوب روابط فیزیولوژیک محدود نمی ماند - به عقب ماندگی زن می انجامد. با توجه به همین واقعیت تبعیض و نابرابری بین زن و مرد در برخی خانواده های مسلمان، گروهی از منتقدان مغرض غرب و شرق گمان کرده اند که حقوق زن در اسلام کمتر از حقوق مرد است. در پاسخ اینان باید گفت که جست و جو و دریافت ما از اسلام و قرآن چیز دیگری است. ما به قرآن به عنوان یک مجموعه مرتبط و هماهنگ نگاه می کنیم، چنان که در خود قرآن نیز آمده است که آیاتش برخی محکم و برخی متشابه است و فهم و تبیین بعضی از آیات در پرتو بعضی دیگر خواهد بود. ما برای تنظیم حقوق خانواده به صورت عادلانه از روش زیر استفاده می کنیم: ۱. زن و مرد در قرآن از نظر آفرینش برابرند. در آیه نخست سوره نساء آمده است: (یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجالاً كثيراً و نساءً)

۲. فرصتهای رسیدن به مراحل رشد و کمال بشری برای زن و مرد همسان است؛ در این زمینه آیه ۱۳ سوره حجرات می گوید: (یا ایها الناس إنّنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إنّ اکرمکم عندالله اتقاکم...)

۳. زن و مرد در پاداش نیز برابر هستند؛ در این زمینه آیه ۳۵ سوره احزاب قابل توجه است. برای تحقق بخشیدن عادلانه به این سه زمینه که قرآن بارها از آنها یاد کرده است، بایسته است که شرایط پیشرفت و کمال برای زن و مرد به صورت یکسان فراهم گردد. قرآن در بیشتر موارد، مردم را به تدبّر، تفکر و اندیشیدن در مسائل مربوط به انسان و طبیعت فرا می خواند و به فهم و شنیدن

آیات الهی و عبرت گرفتن از آنها ترغیب می‌کند. قرآن همیشه ایمان را با عمل شایسته مترادف و در کنار یکدیگر می‌آورد. آیا می‌توان دو عنصر زمان و مکان را در عمل شایسته نادیده گرفت؟ پیش از طلوع اسلام، زن کمترین حقی نداشت؛ دختران را زنده به گور می‌کردند، مرد حق داشت تا هر چند بار که دلش می‌خواست ازدواج کند. آموزه‌های اسلام برای تثبیت حقوق زن، در آن زمان پدیده‌ای کاملاً جدید و پیشرفته بود، زیرا دین اسلام برای دگرگون‌سازی و پیشرفت انسان آمده بود، و بهترین راه برای رسیدن به این هدف، تغییر گام به گام و تدریجی است، زیرا تغییر یک روزه و دگرگون کردن یک باره سنتها و عاداتهای اجتماعی نه درست بود و نه سودمند. اما امروز با توجه به همان حقایق قرآنی که یاد شد؛ یعنی تأکید بر برابری ارزش وجودی زن و مرد و فراخوانی مردم به تفکر و اندیشیدن در آیات روشن الهی و نتیجه‌گیری عبرتها و نکات حکیمانه از آنها، می‌توان گفت که حقوق زن و مرد در خانواده مساوی است و معیار در مدیریت هر یک از زن و مرد در امور خانواده، تقوا و شایستگی است نه جنسیت. در اینجا بایسته است نکته دیگری مورد توجه قرار گیرد و آن اینکه اگر زن و مرد نتوانستند به تفاهم و یگانگی مورد انتظار برسند و ناهمدلی‌های ناشی از نوع رابطه و رفتارشان آنان را از یکدیگر دور کرد، اسلام در چنین حالتی طلاق را به رغم ناپسندی و نکوهیدگی آن به عنوان راه حل پیشنهاد می‌کند.

## خانواده و پیامبران

خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی و در عین حال، بزرگ‌ترین و اثرگذارترین واحد تربیتی در جوامع به شمار می‌آید، به گونه‌ای که می‌تواند منشأ تحول فردی و اجتماعی و رشد ارزش‌های انسانی در میان اعضای آن باشد. خانواده، مهم‌ترین نهادی است که فرد در آن پرورش می‌یابد. بنابراین، سرمایه‌گذاری و توجه هرچه بیشتر به این نهاد مقدس، از رسالت معلمان به ویژه پیامبران و پیشوایان ادیان قرار گرفته است. امروز نیز بشر همین رویکرد را پی می‌گیرد تا جایی که دولت‌ها به رشد و توسعه کیفی خانواده توجه می‌کنند و می‌کوشند با در اختیار قرار دادن امتیازها و تسهیلات رفاهی، آموزشی و مشاوره‌ای، به ارتقای سطح بهداشت و سلامت روانی خانواده کمک کنند؛ زیرا این کار، بر تربیت نسل آینده اثر مستقیم خواهد داشت.

## خانواده های الگو در اسلام

اولیای دین همواره در زندگی خویش به دو اصل اهمیت پیروی از الگوی شخصیتی و رفتاری و اعتبار آن توجه داشته و بر همین اساس، مردم را به پیروی از الگوهای مناسب دعوت کرده‌اند. یکی از این الگوهای مناسب رفتاری از دیدگاه قرآن، حضرت ابراهیم علیه السلام است. افزون بر وی، خداوند در قرآن کریم، به افراد اعلام می‌کند که پیامبر اعظم علیه السلام، الگویی نیکو برای پیروی است. امام علی علیه السلام که از نزدیک، شاهد همه رفتارها و شیوه های زندگی رسول خدا صلی الله علیه وآله بود، ایشان را بهترین سرمشق می‌داند که همگان را برای همانندسازی کافی است. بر اساس آیات قرآن، پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و خانواده او، ویژگی های شخصیتی و رفتاری بسیار مناسب و به دور از هرگونه نابهنجاری رفتاری، شخصیتی و اخلاقی دارند.

## آسیب شناسی خانواده

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اجتماعی در جامعه کنونی، دعوای خانوادگی است که ارکان خانواده را سست می‌کند و سلامت روانی اعضای آن را به خطر می‌اندازد. آسیب‌ها و ستیزه‌های خانوادگی، پدیده‌ای بسیار پیچیده و چند وجهی است که باید آن را از دیدگاه‌های گوناگون روانی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و ارتباطی بررسی کرد. شاید همان‌گونه که زندگی هر انسان، یکتا و منحصر به فرد است، زندگی مشترک هر زوج جوان نیز منحصر به خودشان باشد. با وجود این، پرداختن به موضوع آسیب‌شناسی خانواده برای دست یافتن به راهبردهای پیش‌گیری، یکی از مهم‌ترین مسائل ضروری آموزش خانواده است؛ زیرا بدون شناخت عوامل، دستیابی به راه‌های درمان امکان‌پذیر نخواهد بود. سخن از آسیب‌شناسی خانواده، سخن از عواملی است که بهداشت روانی خانواده و ازدواج را تهدید می‌کند.

## طلاق

نبود عشق در زندگی زناشویی در کنار دیگر عوامل، زمینه ساز پدیده طلاق است. آثار

ویران‌گر طلاق، برای زوجین و فرزندان بسیار چشم‌گیر است. بالا بودن گرایش به طلاق و دعوای دامن‌داری که روزگاری همراه با تلخ‌کامی را برای تمامی اعضای خانواده رقم می‌زند، در این زمینه تأمل برانگیز است. نکته مهم این است که به دلایل گوناگون، شمار اندکی از زندگی‌های مشترک در جامعه ما به طلاق می‌انجامد، ولی نبود عشق که به نسبت‌ها و شدت‌های گوناگون نمود پیدا می‌کند، جلوه‌های بسیار متفاوتی می‌تواند بیابد که دل‌زدگی در روابط زناشویی و نارضایتی از زندگی مشترک، نمونه آن است. به هر حال، برآورده نشدن نیازهای عاطفی افراد، ساختار زندگی مشترک را بسیار سست می‌سازد و زمینه را برای از هم گسستن پیوند آماده می‌کند.

### ریشه‌های اختلاف خانوادگی

در بررسی عوامل مشکلات خانوادگی که گاه خانواده را به فروپاشی کامل می‌کشاند، به مواردی متعدد برمی‌خوریم که در گستره‌ای از مسائل روانی، اجتماعی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و جسمانی جای می‌گیرد. کم‌سن و سالی زن و مرد، تفاوت زیاد در بهره‌هوشی، چگونگی روابط کلامی و غیرکلامی، اختلاف بسیار در تحصیلات، توقع مادی زیاد در خانواده، بیماری‌های جسمانی که سازگاری‌های جدی‌تری را می‌طلبد، اعتیاد، نازایی زن یا مرد، بی‌توجهی اعضای خانواده به باورهای دینی و انجام رفتارهای خارج از محدوده مجاز شرعی، آزار دادن والدین و ناخشنود ساختن آنها، از جمله عوامل پیدایش اختلاف‌های خانوادگی است.

### اصلاحات خانوادگی از دیدگاه قرآن

افراد در خانواده دارای نقش و مسئولیتی متمایز از جنبه‌های فردی می‌باشد و از طرف دیگر خانواده محوری‌ترین تقسیم‌جامعه است و می‌توان فرایند اصلاح و تربیت خانواده را اصلاح جامعه دانست. در تعالیم اسلام به مساله تشکیل و حفظ و صیانت از حریم خانواده اهمیت فراوانی داده شده است به عنوان مثال بالاترین مقام زن در محیط خانواده با نام و عنوان مادر تعریف می‌شود.

مصادیقی که قرآن راجع به اصلاح خانواده به آن اشاره نموده است به قرار زیر است:

## ۱ - اهلیت :

یکی از جنبه های اصلاح خانوادگی اهل بودن خانواده در مسیر دین و انسانیت است . خداوند در جریان داستان خانواده نوح می فرماید : "قال يا نوح انه ليس من اهلک انه عمل غیر صالح فلا تسئلن ما ليس لک به علم و انی اعظک ان تکون من الجاهلین" [۱۲] فرمود : ای نوح او از اهل تو نیست او عمل غیر صالحی است پس آنچه را از آن آگاه نیستی از من بخواه و من به تو اندرز می دهم تا از جاهلان نباشی . امین الاسلام طبرسی در تفسیر مجمع البیان گفته اند : معنای اینکه او از خاندان تو نیست یعنی بر دین و آیین تو نیست و همان کفر باعث شد که از نظر حکم جزء خاندان نوح نباشد ، و این معنا مانند سخنی است که رسول خدا در مورد سلمان فرمود : السلیمان منا اهل البیت یعنی بر دین و آیین ماست . [۱۳]

## ۲ - نیکی به والدین و دعای آنان برای ذریه :

قرآن کریم در موارد متعددی احسان و بر به والدین را سفارش نموده است که رضایت آنان سبب تثبیت پایه های خانواده و اصلاح آن می باشد و در مقابل عاق والدین سبب تباهی خانواده و بروز و ظهور آثار و ضعی می شود . خداوند می فرماید : ووصینا الانسان بوالدیه احسانا حملته و بروز و وضعته کرها و حمله و فصاله ثلاثون شهرا حتی اذا بلغ اشد و بلغ اربعین سنه قال رب اذرعی ان اشکر نعمتک الی انعمت علی و علی والدی و ان اعمل صالحا قرضاه و اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین . [۱۴] ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادر خویش نیکی کند مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد ، و دوران حمل و از شیر گرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می گوید : پروردگارا مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خشنود باشی فرزندان مرا صالح گردان ، من به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم و از مسلمانانم " علامه طباطبایی در ذیل " اصلح لی فی ذریتی " گفته اند : اصلاح در ذریه به این معنا است که اصلاح را در ایشان ایجاد کند و چون این ایجاد از ناحیه خداوند است معنایش این می شود که ذریه را موفق به عمل صالح سازد و این عمل صالح کار

دل‌هایشان را به صلاح بکشاند . و خلاصه دعا این است که خدا شکر نعمتش و عمل صالح را به وی الهام کند و او را نیکو کار به پدر و مادرش سازد و ذریه اش را برای او چنان کند که او را برای پدر و مادرش کرده بود. [۱۵]

### ۳ - رابطه زن و شوهر در راستای اصلاح :

هنگامی که زندگی خانوادگی با مشکل مواجه می شود و مساله طلاق و جدایی طرح می گردد ارجاع به زندگی سالم را فقط به قصد اصلاح توصیه می کند . خداوند می فرماید : و المطلقات یتربصن بانفسهن ثلاثه قروء و لا یحل لهن ان یکتمن ما خلق الله فی ارحامهن ان کن یومن بالله و الیوم الاخر و بعولتهن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحا و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف و للرجال علیهن درجه و الله عزیز حکیم . " [۱۶] زنان مطلقه باید به مدت سه مرتبه عادت ماهیانه دیدن و پاک شدن انتظار بکشند و اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند ، برای آنها حلال نیست که آنچه را که خداوند در رحم‌هایشان آفریده کتمان کنند ، و همسرانشان برای بازگرداندن آنها در این مدت سزاوارترند ، در صورتی که برآستی خواهان اصلاح باشند و برای زنان همانند دظایفی که بر دوش آنهاست ، حقوق شایسته ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند ، و خداوند توانا و حکیم است . امین الاسلام طبرسی در تفسیر مجمع البیان گفته اند : منظور از ارادوا اصلاحا آن است که اگر قصد اصلاح دارند نه آزار و اذیت [۱۷]. خداوند در قرآن کریم در زمینه اصلاح بین زن و شوهر می فرماید : و ان خفتن شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها ان یرید اصلاحا یوفق الله بینهما ان الله کان علیما خبیرا " [۱۸] و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو همسر بیم داشته باشید یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید اگر این دو داور تصمیم به اصلاح داشته باشند خداوند به توافق آنها کمک می کند زیرا خداوند دانا و آگاه است او از نیات همه با خبر است . امام فخر رازی در مورد " ان یریدا اصلاحا یوفق الله بینهما " در تفسیر کبیر می گویند : چهار وجه را در تفسیر این قسمت از آیه عنوان نمود : اول : اگر دو حکم اصلاح را بخواهند بهتر است و خداوند بین دو حکم موافقت ایجاد می کند تا آنچه که خیر است انجام دهند . دوم : اگر دو حکم اصلاح را بخواهند خداوند



بین زوجین موافقت ایجاد می کند. سوم: اگر زوجان بخواهند اصلاح کنند خداوند بین آن دو موافقت ایجاد می کند. چهارم: اگر زوجان اصلاح بخواهند خداوند بین دو حکم موافقت ایجاد می کند تا آنچه که صلاح است را انجام دهند [۱۹]. در این زمینه از امام صادق ع روایتی نقل شده است: " دو حکم شرط می کنند که جایز است زوجین از هم جدا شوند و یا آشتی کنند دو حکم نمی توانند حکم جدایی را بدهند مگر اینکه زوجین بخواهند [۲۰]. خداوند در سوره النساء در زمینه اصلاح بین زوجین باز می فرماید: " و ان امراه خافت من بعلها نشوزا او اعراضا فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحا و احضرت الانفس الشح و ان تحسنوا و تفقوا فان الله كان بما تعلمون خبيرا" [۲۱] و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند و زن یا مرد، از پاره ای از حقوق خود، به خاطر صلح صرف نظر نمایند، و صلح بهتر است اگرچه مردم بخل می ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید، خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است او پاداش شایسته به شما خواهد داد. مراد از صلح و مصالحه کردن این است که زن از بعضی از حقوق زناشویی خودش صرف نظر کند تا انس و الفت و توافق شوهر را جلب نماید به این وسیله از طلاق و جدایی جلوگیری کند و بداند که صلح بهتر است. [۲۲]

#### ۴ - اهمیت نقش خانواده در تربیت انسان :

اصلاح خانواده آنقدر مهم است که حضرت رسول ص می فرماید: " هر انسانی با فطرت توحیدی متولد می شود این پدر و مادر او هستند که او را یهودی، نصرانی و یا مجوسی بار می آورند. " سپس فرمودند: همان فطرت خدایی که خداوند مردم را به آن خلق نموده است [۲۳].

#### ۵ - صیانت نسل :

با توجه به اینکه حیات نوع انسانی به دو مسئله مهم غذا و استمرار نسل است و از آنجا که جایگاه استمرار نسل صالح در بستر خانواده قرار دارد لذا فساد در این دو زمینه را قرآن کریم به فساد در حرث و نسل تعبیر نموده است و مفسد فی الارض را افساد کننده در این دو زمینه معرفی کرده است. خداوند می فرماید: " و اذا تولى سعى فى الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث و

النسل و الله لا یحب الفساد [۲۴]" نشانه آن این است که هنگامی که روی برمیگردانند و در راه فساد در زمین، کوشش می کنند، و زراعت ها و چهارپایان را نابود می سازند، خدا فساد را دوست ندارد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل این آیه شریفه گفته اند: منظور از یهلک الحرث و النسل این است که فساد در زمین را می خواهد بیان نماید. اگر نابود کردن حرث و نسل را بیان فساد قرار داده بر این است که قوام نوع انسانی در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است، اگر غذا نخورد می میرد و اگر تولید مثل نکند نسلش قطع می شود، و انسان در تامین غذایش به حرث یعنی زراعت نیازمند است چون غذای او یا حیوانی است و یا نباتی و حیوان هم در زندگی و نمو به نبات نیازمند است پس حرث که همان نبات است اصل در زندگی بشر می باشد و به همین جهت فساد در زمین را با هلاک کردن حرث و نسل بیان می کند. پس معنای آیه این شد که او از راه نابود کردن حرث و نسل در زمین فستد می انگیزد و در نابودی انسان می کوشد. "والله لا یحب الفساد": مراد از این فساد، فسادهای تشریحی است یعنی آن فسادی که به دست بشر پدید می آید خداوند آنچه از دین که تشریح کرد به منظور اصلاح اعمال بندگان بود تا عمل صالح روزمره و تمرین مستمر ملکات فاضله را در نفوس آنها پدید آورد و اختلافشان را اصلاح کند و در نتیجه حال انسانیت و جامعه بشریت معتدل شود در این هنگام است که زندگیشان هم در دنیا و هم در آخرت عین سعادت می شود. [۲۵]

## ۶ - صله رحم

یکی از مسائل مهمی که اسلام بسیار به آن پرداخته است مساله صله رحم است: "فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم" [۲۶] اگر از این دستورها، روی گردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید. استفهام که در این آیه آمده است برای تقریر می باشد یعنی البته از شما می آید که چون منصب امارت و حکومت بیابید بسبب تکبر و تعظیم کثرت جاه و مقام در زمین فساد کنید و قطع ارحام نمایید چنانکه در زمان جاهلیت هم می کردید.

## خانواده مطلوب از دیدگاه قرآن

بنیان های پدیدآورنده خانواده خود گویای ارزش معنوی و قداست آن است زیرا قرآن مجید خانواده را نهادی مقدس و مبتنی بر چند رکن معنوی می داند که عبارتند از: آرامش و سکون، عشق و دوستی، مهربانی و شفقت و همیاری که انس و الفت نیز در بطن آن است.

### ● عشق، بنیان خانواده

چون نیک بنگریم و ببیندیشیم، به روشنی درمی یابیم که عشق نه تنها رکنی از ارکان خانواده است، بلکه در قوام و بقا و تعادل بنیان های دیگر نقش بی همتا دارد تا جایی که شاید بتوان گفت، عشق روح خانواده است یا این که خانواده به راستی خانه عشق و آشیان عشق است. اندیشمندان در اثبات سخن به آیه «خلق لکم من انفسکم ازواجاً لستکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه» [۲۷] و نیز «هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها» [۲۸] استناد می کنند و معتقدند: اساس روابط اجتماع درون خانواده که همانا دوستی، تفاهم متقابل و همیاری است، با ملات عشق به هم پیوسته و آمیخته است. از این دیدگاه، اشاره به نفس واحده در آیه کریمه دیگر گویای این حقیقت است که نهاد خانواده ظرف رویش روح و جان، رستگاری و بالندگی زن و مرد تا رسیدن به اوج بالندگی (کمال انسانی) است؛ یعنی، نه مرد به تنهایی کامل است و می تواند به کمال برسد، نه زن. مگر با همگرایی و بودن و زیستن در محدوده خاص مقررات و دستورالعمل هایی که نهاد خانواده نام دارد. نهادی که سرآغاز راه رفتن به سوی کمال است.

انسانیت وقتی در عرصه معنویت استقرار می یابد که انسان ها با هم باشند و بتوانند به درستی (آن گونه که خداوند مقرر فرموده است) با هم زندگی کنند. هدف زندگی، فرجام حیات و رستگاری یا گمراهی هر انسان در وجود «انسان های دیگر» است. تعامل و همزیستی انسان هاست که همه مقوله های مطرح و قابل فهم در عرصه حیات و زندگی او را معنا می بخشد. خوبی و بدی، خوشبختی یا بدبختی، آرامش و تلخکامی، فقط در تعامل و اصطکاک روابط انسان ها معنا می یابد. پس انسان اجتماعی است و غیر از زیستن در اجتماع راه چاره ای ندارد.

نخستین اجتماعی که آدمی در آن بار می آید تا زیستن در جامعه بشری و همیاری و همزیستی با انسان های دیگر را به اقتضای فطرت بشری فراگیرد، خانواده است. یعنی نخستین هسته پیدایش اجتماع، چون جامعه بشری را به پیکری واحد تشبیه کنیم، خانواده را می توانیم نخستین سلول پدیدآورنده آن بدانیم.

به اعتبار این فلسفه وجودی، اندیشمندان می گویند: خانواده هم مکتب شایسته پرورش انسان و اجتماعی شدن اوست، هم پناهگاه و مأمن او تا سختی های زیستن در اجتماع بشری و مراد و معاشرت و ارتباط با انسان های دیگر را با دستیابی به ابزارها و امکانات لازم که در نهاد خانواده است و دیگر اعضای خانواده در دسترس او می گذارند، تاب آورد. با این همبستگی اخلاقی و حقوقی، احساس وظیفه بیش از خواست و نیاز جنسی در روابط زن و مرد اهمیت می یابد و با این انگیزه است که زن و مرد می توانند عشق را با اخلاق درآمیزند تا محیط مساعدی برای رشد جسمانی و اعتلای معنوی و اخلاقی فرزندشان فراهم آید.

ماهیت خانواده به گونه ای است که احساس و عاطفه در آن حرف اول را می زند و چنان که یک صاحب نظر می گوید: «طبع خانواده با حقوق و احکام آمرانه چندان سازگار نیست» و قانون در ایجاد نظم خانوادگی تأثیر اندک دارد؛ حال آن که درهای خانواده همیشه به روی ارزش های دینی و اخلاقی گشوده است. چون گلزاری که تشنه نور و پرتو آفتاب است، نه تنها از آن رمق و جان می گیرد که حیات و دوام و بقایش بسته به تابش نور است.

دکتر سید مصطفی محقق داماد، در تحلیل ژرفکاوانه اش، موضوعی جالب را مطرح کرده است:

بیشتر واژه های به کار رفته در مورد نهادهای حقوقی در روابط اعضای خانواده به گونه ای است که واژه ویژگی اخلاقی و عاطفی دارد، چنانکه واژه صدق مفهوم صدق و صفات را دربردارد یا این که «نحله» مفهوم اخلاقی هدیه دادن به همسر را برمی تابد.

وی در «حقوق خانواده» با اشاره به این که عقد نکاح در اسلام صرفاً یک قرارداد حقوقی نیست، بلکه پیمانی عاطفی، اخلاقی و حقوقی است، آورده است: حکمای باستان به نقش اصلی و محوری عاطفه و اخلاق در تنظیم کانون خانواده توجه کرده اند، رخنه دولت را به این سرای

مردمی زیانبار و خطرناک دانسته اند و در بخش بندی حکمت عملی، تدبیر منزل را از سیاست مدن جدا کرده اند تا مرز قاطع و طبیعی میان دولت و خانواده نمایان شود. به گفته محقق، در این جداسازی، حق با حکماست، زیرا تجربه نشان داده است که دولت‌ها، بخصوص دولت‌های سکولار، هرگاه خواسته اند به استناد قوانین خودساخته، خود را به خانواده تحمیل کنند، به آن آسیب زده اند. ناگزیر، به ویرانی کمر بسته اند تا مانع خودکامگی و قدرت‌نمایی شان را از میان بردارند یا این که به ساختن چارچوب بیرونی آن بسنده کرده اند تا مشکل دلخواه را به آرامی مستقر سازند. اما قوانین برگرفته از ادیان الهی که مبتنی بر اصول و مبانی اخلاقی است، به گونه دیگری است.

حکیم، شیخ الرئیس ابوعلی سینا، در رساله‌ای به منظور تشریح جایگاه و اهمیت خانواده و ارکان آن [تدابیر المنازل یا السياسات الاهلیه (یک بار هم با عنوان «فی السیاسه المنزلیه») چاپ شده است] و چگونگی روابط میان زن و شوهر و همچنین پدر و مادر و فرزندان، تصویری روشن از خانواده مطلوب برای تربیت فرزندان شایسته که اساس پدید آمدن جامعه صالح است، ترسیم کرده است.

ابن سینا در تبیین هدف‌های خانواده مطلوب مبتنی بر موازین اخلاقی و عاطفی دین محور، بر ۳ انگیزه اقتصادی، اجتماعی و همچنین محبت و آرامش تأکید کرده است. نظر او در توجیه نخستین انگیزه حاکی است: «انسان برای حفظ دارایی خویش و نگهداری آن برای زمان نیازمندی، به مسکن و بیت نیاز دارد و این همسر است که می‌تواند در این امر شریک و همراه مناسبی برای او باشد.» به گفته ابن سینا، زن شایسته شریک مرد، نگهبان مال او، جانشین او در خانه و امین او در تربیت فرزندان است.»

ابن سینا در «الشفاء الهیات» ازدواج را «برترین رکن مدینه» توصیف کرده و در تبیین انگیزه اجتماعی تشکیل خانواده گفته است: «فرزندی نیاز است تا هنگام ناتوانی و به وقت پیری، یاور پدر و مادر باشد و نسل ایشان را تداوم بخشد و یاد ایشان را پس از مرگ زنده بدارد.»

به گفته ابن سینا، سکون و آرامش درونی هم در سایه ازدواج و گزینش همسر پدید می‌آید و این نکته، چنانکه دکتر مصطفی محقق داماد می‌گوید، به روشنی مبین تأثیرپذیری ابن سینا از

قرآن است.

نکاتی که در امر ازدواج باید رعایت شود، به نظر ابن سینا، به این شرح است:

#### ■ قانونی شدن

نخستین امری که باید از سوی قانونگذار به صورت قانون و سنت درآید، ازدواج است و با مشروع شناخته شدن ازدواج، هرگونه ارتباط جنسی خارج از محدوده ازدواج، نامشروع شناخته خواهد شد.

#### ■ تشویق و تحریض

مدیران امور مدینه باید مردم را به ازدواج تشویق و دعوت کنند.

#### ■ علنی بودن

ازدواج باید آشکار و علنی باشد، زیرا این امر از بروز تردید در نسبت و نیز اختلال در انتقال میراث اشخاص پیشگیری می کند.

به گفته محقق داماد، این نکته در نصوص نبوی نیز آمده است: «اعلنوا النکاح ولو بالدف» یعنی، نکاح و ازدواج را حتی با نواختن دف، آشکار سازید.

#### ■ ازدواج، پیمان محکم و استوار

ازدواج باید پیوندی همیشگی و مستحکم باشد و در معرض تزلزل و بی ثباتی قرار نگیرد؛ چنانکه قرآن مجید نکاح را میثاق غلیظ توصیف کرده است [۲۹].

#### ■ ضرورت رشد عقلانی و جسمانی

ابن سینا سن معینی برای ازدواج توصیه نکرده، بلکه گفته است: زمان مناسب وقتی است که فرد به بلوغ جسمی و رشد عقلی برای اداره زن و فرزند برسد و از نظر اقتصادی، شغل و درآمد لازم را برای معاش خانواده داشته باشد.

#### ■ تأکید بر زندگی مستقل

ابن سینا توصیه کرده است که وقتی فرزند با شغل خویش درآمدی به دست آورد، تدبیر آن است که ازدواج کند و از خانواده اش جدا شود.

شیخ الرئیس ابوعلی سینا برای تدبیر خانواده اصولی دارد که دکتر محقق داماد در پژوهش

های خود آنها را تبیین کرده است.

### ■ احترام مرد

ابن سینا با استناد به آیه «الرجال قوامون على النساء» [۳۰] (قرآن مجید، گفته است: در روابط زوجین، ریاست خانواده با شوهر است. زیرا اگر شوهر تحت سیطره و اطاعت زن قرار گیرد، خانواده به سبب احساسی بودن زن و پیروی از هوی و هوس، به تباهی و فساد کشیده خواهد شد. لذا به نظر او، هیبت مرد لازم است و مقصود از هیبت آن است که مرد در برابر همسر و فرزندان از احترام لازم برخوردار باشد و هیچ کس او را کوچک نشمارد.

به گفته ابن سینا، مرد برای داشتن هیبت، باید احترام خود را در خانه با مراعات و مروت حفظ کند، به وعده های خود پایبند باشد و از وعده های تحقق نیافتنی بپرهیزد.

### ■ تکریم همسر

به نظر ابوعلی سینا، شوهر باید همسر خود را تکریم نماید و اگر بخواهد زن را به حسن رفتار و رعایت حرمت خویش وادارد، راهی جز این ندارد و با تهدید و اجبار نمی تواند به این هدف دست یابد. زیرا وقتی زن کرامت خود را ببیند، در حفظ و تداوم آن می کوشد و از زوال آن می ترسد.

ابن سینا در تبیین آنچه سبب تکریم زن می شود نیز ۳ نکته مهم را به این شرح مورد توجه قرار داده است:

### ■ دادن زینت نیکو به همسر

به گفته ابن سینا، با توجه به طبع زن و علاقه اش به زینت، مرد باید باتوجه به وضع ظاهری وی، به شخصیت زن احترام بگذارد.

### ■ حفظ حجاب زن

ابن سینا با استناد به دستور شریعت اسلامی، رعایت ستر و پوشیدگی زن از بیگانگان را از ضرورت های تکریم و احترام زن دانسته و بر آن تأکید کرده است.

### ■ پرهیز از برانگیختن حسادت زن

ابن سینا، مرد را از توجه داشتن به زنی غیر از همسر خود و تحسین و تمجید او نزد همسرش

برحذر داشته و گفته است این رفتار با هیبت مرد که رکن خانواده است، منافات دارد و سبب بروز نفرت و خصومت میان زن و شوهر می شود. از این رو، سعادت خانواده و ضرورت پیروی از فضائل اخلاقی حکم می کند که شوهر از این شیوه رفتار بپرهیزد.

### ■ اهمیت اشتغال زن

ابن سینا در «تدابیر المنازل» به مسأله اشتغال زن نیز پرداخته و گفته است: زن اگر بیکار باشد، از نظر اخلاقی به بیراهه کشیده می شود، احساس پوچی و بیهودگی می کند و خود را با کارهای لغو و بیهوده مشغول می سازد؛ از این رو، مرد باید همسرش را به امور مهمه مشغول سازد.

نکته مهم دیگر در نظرات ابن سینا چگونگی خروج زن از خانه است، او در این باره گفته است: «در تربیت اسلامی، خروج زن از منزل باید با توافق همسرش باشد و این توافق ممکن است همراه با قرارداد ازدواج حاصل شود، در غیر این صورت، اگر شوهر خروج بی اجازه را با مصالح خانوادگی منطبق نیند، می تواند از آن جلوگیری کند.

### پی نوشت:

- [۱]. نحل/۸۰
- [۲]. مفردات راغب، ماده سکن .
۳. احزاب/۳۴
- [۳]. نور/۳۶
- [۴]. تفسیرالمیزان، سیدمحمدحسین طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، صص ۱۷۸-۱۷۹.
- [۵]. نور/۶۱
- [۶]. نور/۲۷
- [۷]. مفردات راغب، ماده انس.
- [۸]. تفسیر میبدی، ۱۳۵۷، ج ۶، ص ۵۰۹
- [۹]. نور/۲۸



- [۱۰]. لیل/۱-۴
- [۱۱]. اسراء/۲۳-۲۴
- [۱۲]. هود/۴۶
- [۱۳]. مجمع البيان في تفسير القرآن، طبرسی، بیروت، دارالاحباء التراث العربی، ۱۳۷۹ه.ق.
- [۱۴]. الاحفاف/۱۵
- [۱۵]. المیزان، ج ۸، ص ۲۱۷.
- [۱۶]. البقره/۲۲۸
- [۱۷]. مجمع البيان، ج ۱، ص ۳۲۵.
- [۱۸]. النساء/۳۵
- [۱۹]. التفسیر الکبیر، امام فخر رازی، ج ۹، ص ۷۵.
- [۲۰]. نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، البرهان، ج ۲، ص ۷۵.
- [۲۱]. النساء/۱۲۸
- [۲۲]. المیزان، ج ۵، ص ۱۰۰، عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۸
- [۲۳]. مجمع البيان، ج ۲، ص ۱۱۹.
- [۲۴]. بقره/۲۰۵
- [۲۵]. المیزان، ج ۲، ص ۹۸
- [۲۶]. محمد/۲۲
- [۲۷]. روم/۲۱
- [۲۸]. اعراف/۱۸۹
- [۲۹]. حقوق خانواده، ص ۱۷۰
- [۳۰]. النساء/۳۴

## کتابنامه

- آیه الله جوادی آملی ، زن در آینه جلال و جمال ، مرکز نشر اسراء ، قم ، مرداد / ۸۲ ، چاپ هفتم .
- آیه الله جوادی آملی ، اسرارالصلوه ، دارالاسراء ، للنشر ، قم ، ۱۳۷۳ .
- دکتر احمد بهشتی ، خانواده در قرآن ، موسسه بوستان کتاب ، قم ، سال / ۸۵ ، چاپ ششم .
- دکتر غلامعلی حدادعادل ، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ، انتشارات صدا و سیما ، تهران ، ۱۳۷۲ .
- دکتر نصرت الله کاسمی ( مترجم ) ، آنچه یک جوان باید بداند ؟ انتشارات تهران بی تا .
- سید مجتبی هاشمی رکاوندی ، مقدمه ای بر روان شناسی زن ، انتشارات شفق ، قم ، بی تا .
- سید محمد حسین ، المیزان ، طباطبایی ، بیروت ، موسسه الاعلمی للمطبوعات ، الطبعه الثانيه ، ۱۳۹۴ ق .
- نظام حقوق زن در اسلام ، چاپ بیست و سوم ، انتشارات صدرا ، قم ، ۱۳۷۶ .
- طبرسی ، فضل بن حسن ، مجمع البیان ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی ، تحقیق رسولی محلاتی .
- علی اکبر شعاری نژاد ، روان شناسی رشد نوجوانی و جوانی ، انتشارات دانشگاه پیام نور ، تهران ، ۱۳۸۲ ، چاپ چهاردهم .
- علی محمدی آشنانی ، حجاب در ادیان الهی ، چاپ اول ، انتشارات اشراق ، قم ، ۱۳۷۳ .
- فخر رازی ، تفسیر کبیر ، بی تا .
- محمدرضا شزفی ، دنیای نوجوان ، انتشارات تربیت ، تهران ، ۱۳۷۲ .
- محمدرضا بندرچی ، نگاهی به قوانین خانواده در قرآن کریم ، مشهد ، دانشگاه فردوسی ، اسفند ، ۷۹ .
- مرتضی مطهری ، مسئله حجاب ، چاپ پنجاه و نهم ، انتشارات صدرا ، قم ، ۱۳۷۶ .
- مهدی محمودیان ، قرآن در خانواده ، ترجمه و مفاهیم قرآن به صورت پرسش و پاسخ و مسابقه ، منشور وحی ، ۸۳ .
- ناصر مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، دار لکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۳ .